

بررسی فقهی نقض ممنوعیت تعرض به غیر نظامیان توسط رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی

احمد احسانی فر^۱، حسین رجایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

چکیده

رژیم بعث صدام در جریان جنگ هشت‌ساله، بارها به نحو مستقیم یا غیرمستقیم غیرنظامیان، اعم از کودکان و زنان و کهنسالان و سایر گروه‌های انسانی غیرمرتبط با جنگ و جنگاوری را مورد تعرض، جرح و کشتار قرار داد. نسبت‌سنجی این اقدامات با قواعد فقهی از آنجا اهمیت می‌یابد که صدام و رژیم بعث برای جلب حمایت سایر کشورهای اسلامی و عربی در جنگ با ایران و مقابله با آمریکا و اسرائیل، تظاهر به التزام نسبت به احکام اسلام می‌نمود. هدف از مقاله پیش‌رو آن است که میزان التزام رژیم بعث صدام به قواعد فقهی مربوط به جنگ را نشان دهد. روش تحقیق نیز بدین‌صورت خواهد بود که با بررسی ادله و مستندات قرآنی و روایی، مبانی نظری ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان و قواعد حاکم بر رفتار با غیرنظامیان در جنگ را به‌دست می‌آورد و سپس مصادیقی از نقض این قواعد توسط رژیم بعث در جنگ تحمیلی عرضه خواهد کرد. مبانی نظری ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان در این مقاله بر اساس ادله و مستندات مشترک در میان مذاهب اسلامی و بدون ورود به انفرادات و اختلافات مذاهب بررسی می‌شود تا از منظر فقه همه مذاهب اسلامی قابل‌استفاده باشد. نتیجه حاصل از این مقاله، نشان خواهد داد که رژیم بعث نه‌تنها التزامی به قواعد اسلامی مربوط به ممنوعیت جنگ با غیرنظامیان ندارد، بلکه در موارد بسیاری با هدف تخلیه ایران از نژاد ایرانی و جایگزین کردن نژاد عراقی، عمادانه در تلاش برای کشتار وسیع‌تر غیرنظامیان در جنگ تحمیلی است.

واژگان اصلی: ممنوعیت تعرض، غیرنظامیان، جنگ تحمیلی هشت‌ساله، فقه.

^۱. استادیار حقوق خصوصی پژوهشگاه قوه قضائیه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

رژیم بعث صدام در جریان هشت سال تجاوز وحشیانه به کشور اسلامی ایران، حملات و تجاوزهایی علیه شهرهای مسکونی و مناطق غیرنظامی ایران و جمعیت غیرنظامیان ساکن در آنها روا داشت که منجر به کشتار توده‌هایی از مردم غیرنظامی و آسیب‌های جسمی و آلام روحی به ایشان شد. هدف مقاله پیش‌رو، بررسی نسبت حملات رژیم بعث عراق به مناطق غیرنظامی و مسکونی و کشتار و آسیب غیرنظامیان با قواعد فقه اسلامی است. سؤال اصلی مقاله حول این محور می‌باشد که دیدگاه فقه اسلامی در مسئله حمله به غیرنظامیان و کشتار و آسیب آنان در جنگ چیست و نسبت عملکرد رژیم بعث صدام با قواعد فقهی مزبور چگونه است؟

روش مطالعه و تحقیق در مقاله پیش‌رو بدین صورت خواهد بود که ابتدا با بررسی ادله قرآنی و روایی، و گزاره‌های فقهی که در تشریح و تبیین وجوه دلالتی ادله مزبور مطرح شده است و با بررسی استنتاجات فقیهان به قواعد فقهی مربوط به روش مواجهه با غیرنظامیان در جنگ نائل می‌آید. در این بررسی، قواعد فقهی دال بر ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان و ممنوعیت کشتار و آسیب غیرنظامیان در جنگ به دست می‌آید. آنگاه با ارائه مصادیقی از عملکرد رژیم بعث صدام در مواجهه با غیرنظامیان ایرانی، مشخص می‌شود که رفتار نظامی این رژیم در جنگ تحمیلی با قواعد فقهی مربوط به ممنوعیت تعرض، کشتار و آسیب غیرنظامیان در جنگ مغایرت داشته است. در بررسی ادله و مستندات فقهی، از مبانی مشترک میان مذاهب اسلامی استفاده می‌شود و ادله و دیدگاه‌های اختلافی و خاص هر یک از مذاهب اسلامی مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد.

اهمیت و ضرورت مقاله پیش‌رو از چند جهت قابل توجیه است:

نخست آن‌که رژیم بعث و شخص صدام به منظور جلب حمایت کشورهای اسلامی و عربی در جنگ با ایران و سپس مقابله با آمریکا، اسرائیل، خود را متظاهر به التزام نسبت به احکام اسلامی نشان می‌داد. بعد از اتمام جنگ تحمیلی علیه ملت ایران نیز توجیه شرعی عملکرد صدام در منشورات حزب بعث، اعم از کتاب و مقاله، انعکاس یافته و در معرض افکار عمومی و افکار اندیشمندان، محققان، نویسندگان و مسئولان سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی و عربی قرار

دارد. به‌منظور تنویر افکار مردم و صاحبان فکر در کشورهای اسلامی نیاز به تشریح نوع اقدامات رژیم بعث و نسبت این عملکرد از منظر شرعی وجود دارد.

دوم آن‌که با توجیحات رژیم بعث عراق مبنی بر مشروع و قانونی‌بودن تجاوزهای خویش امکان جعل تاریخ و تحریف واقعیات وجود دارد؛ از این‌رو نسل‌های آینده که هیچ‌یک از رویدادهای جنگ تحمیلی را ندیده است و فقط بر این تحلیل‌ها و شنیده‌ها اتکا دارد، باید بتواند بر مبنای ادله مضبوط شرعی به این درک نائل آید که رفتار رژیم بعث متجاوزانه و نامشروع بوده است؛ در غیر این صورت، خطر فراموشی این اقدامات رژیم بعث یا موجه‌سازی آن در میان نسل‌های آتی وجود دارد و نگارش این مقاله از این منظر نیز دارای اهمیت و ضرورت است؛

سوم آن‌که کشورهای که رژیم بعث صدام را مجهز به سلاح‌هایی از قبیل سلاح‌های کشتار جمعی نمودند که به مرگ یا جراحت شدید تعداد زیادی از غیرنظامیان در جنگ تحمیلی انجامید، باید از حیث حقوقی جبران خسارت این تقصیر خویش را بپردازند. مبتنی بر ادله مسئولیت مدنی یکی از شرایط پرداخت خسارت آن است که رفتار و فعل اضرائی، نامشروع و غیرقانونی باشد؛ از این‌رو الزام حقوقی کشورهای اسلامی که معاونت در جرم رژیم بعثی صدام در کشتار غیرنظامیان و مجروح کردن آنان داشته‌اند، منوط بر آن است که در ابتدا نامشروع بودن و غیرقانونی بودن رفتار جنگی و جنایت جنگی رژیم بعثی صدام روشن شود. از این منظر نیز نگارش مقاله مزبور ضرورت می‌یابد.

۱. ادله ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان در جنگ

روایات متعددی از شیعه و سنی به نحو مستقیم بر ممنوعیت کشتار برخی از گروه‌های انسانی در جنگ دلالت دارند که در ادامه ادله روایی مذهب امامیه و مذهب عامه که مضمون و محتوای واحد و یکسانی دارند به نحو مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. ادله روایی امامیه مبنی بر ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان

۱. حفص بن غیاث از امام صادق (ع) علت برداشته شدن حکم پرداخت جزیه از زنان را سؤال می‌کند. امام در پاسخ خویش با ارجاع به روایت نبوی، حکم برآمده از کلام پیامبر (ص) را «ملازمه

میان حکم برداشته شدن جزیه و حکم ممنوعیت قتل آنان در جنگ» می‌دانند و می‌فرمایند:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّسَاءِ كَيْفَ سَقَطَتِ الْجَزِيَّةُ وَ رُفِعَتْ عَنْهُنَّ فَقَالَ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَهَى عَنْ قَتْلِ النِّسَاءِ وَ الْوُلْدَانِ فِي دَارِ الْحَرْبِ إِلَّا أَنْ يَقَاتِلْنَ وَ إِنْ قَاتَلَتْ أَيْضاً فَأَمْسَكَ عَنْهَا مَا أَمَكَنَكَ وَ لَمْ تَخَفْ خَلْلاً... وَ كَذَلِكَ الْمُقْعَدُ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ وَ الدِّمَّةُ وَ الْأَعْمَى وَ الشَّيْخُ الْفَاقِي وَ الْمَرْأَةُ وَ الْوَلْدَانُ فِي أَرْضِ الْحَرْبِ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ رُفِعَتْ عَنْهُمْ الْجَزِيَّةُ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۵۲-۵۳):

«از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم که چرا جزیه از عهده زنان ساقط و رفع شده است؟ امام فرمودند زیرا پیامبر (ص) از کشتن زنان و کودکان در دارالحرب نهی کرد؛ مگر این که زنان هم علیه مسلمانان بجنگند. در حالت جنگیدن زنان با مسلمانان نیز در صورتی که برای تو امکان دارد و در [مدیریت] جنگ اختلال ایجاد نمی‌کند، از کشتن آنها صرف‌نظر کن... همچنین در میان مشرکان و اهل ذمه، حکم زمین‌گیرها و ناینها و پیرمردان فرتوت و کودکان آنان در دارالحرب مانند حکم زنان است و به همین دلیل از آنها نیز جزیه برداشته شده است».

در روایت فوق، با نام بردن بعضی گروه‌ها، به مصونیت آنان در جنگ تصریح دارد: زنان، کودکان، زمین‌گیران، ناینها و کهنسالان، گروه‌هایی هستند که منطوق روایت به مصونیت آنان تصریح دارد. در متن حدیث، ملازمه‌ای بین مصونیت در جنگ و عدم پرداخت جزیه برقرار شده و در واقع علت عدم پرداخت جزیه را حرمت کشتار در جنگ دانسته است. با طرح این شیوه‌ی تعلیل که بر اساس قیاس منصوص‌العله فراهم آمده است و ظاهر روایت نیز به تلازم کامل این دو حکم اشعار دارد، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در هر موردی که جزیه از صنفی خاص مرتفع می‌شود، مصونیت آن صنف در جنگ منجز می‌گردد (منتظری، ۱۴۰۹: ۳، ۴۱۷ و ۴۲۵). صاحب‌جوهر در این مورد با استتاج از روایت فوق می‌نویسد: «همانا هرکس که مکلف به پرداخت جزیه نمی‌شود، کشته نمی‌شود.» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱، ۷۴).

به همین دلیل، فقیهان برای مصونیت‌بخشی به مجانین و سفیهان و حتی کم‌خردان در جنگ، به حکم ارتفاع پرداخت جزیه از آنان استدلال کرده‌اند و بین حکم مزبور و حرمت کشتار در جنگ تلازم منطقی برقرار کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱، ۷۴؛ حسینی شیرازی، [بی‌تا]، [الف]: ۱۵۱). بنابراین

باید فقیران را نیز بنابر نظر کسانی که آنان را از پرداخت جزیه معاف می‌دانند، از کشتار در جنگ مصون دانست (کلاتری ارسنجانی، ۱۴۱۶: ۱۰۸).

۲. امام صادق (ع) در بیان توصیه‌های پیامبر (ص) پیش از اعزام سپاه به جنگ می‌فرماید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا بَعَثَ أَمِيرًا لَهُ عَلَى سَرِيَةٍ... ثُمَّ يَقُولُ: اغْرُزُوا... وَلَا تَقْتُلُوا وَكَيْدًا، وَلَا مُتَبَلِّغًا فِي شَاهِقٍ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۹، ۱۳: ۴۱۳): «همانا پیامبر (ص) هنگام برگزیدن امیر سپاه می‌فرمود: به جنگ روید... و هیچ کودکی را نکشید و هیچ یک از کسانی که به قصد عبادت، خلوتی گزیده‌اند را نکشید».

۳. امام صادق (ع) از جمله توصیه‌های پیامبر (ص) به سپاهیان خویش در حین گسیل آنان به جنگ را این چنین توصیف می‌نماید:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا بَعَثَ سَرِيَّةً دَعَا بِأَمِيرِهَا، فَاجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِهِ، وَاجْلَسَ أَصْحَابَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: ... وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًا، وَلَا صَبِيًّا، وَلَا امْرَأَةً» (کلینی، ۱۴۲۹: ۹، ۱۵: ۴۱۵):

«پیامبر (ص) هنگامی که سپاهی را برمی‌گزید، فرمانده سپاه را فرامی‌خواند. پس او را کنار خود می‌نشاند، و سپاهیان او را در مقابل می‌نشاند. سپس می‌فرمود:... هیچ پسر سالخورده‌ای و هیچ کودک و هیچ زنی را نکشید».

۴. ابو حمزه ثمالی در حضور امام سجاد (ع) به روش حضرت علی (ع) در جنگ جمل اشاره می‌کند و روش آن حضرت را مغایر با سیره نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) می‌داند. امام در مواجهه با این سخن می‌فرماید:

«قَالَ [عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع)]: «سَارَ وَاللَّهِ فِيهِمْ بَسِيرَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْفَتْحِ، إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ إِلَى مَالِكٍ وَهُوَ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ يَوْمَ الْبَصْرَةِ بَأَنَّ لَا يَطْعَنَ فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ، وَلَا يَقْتُلَ مُدْبِرًا، وَلَا يَجِيزُ عَلِيَّ جَرِيحٍ، وَمَنْ أَعْلَقَ بَابَهُ فَهُوَ آمِنٌ، فَأَخَذَ الْكِتَابَ، فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلِيُّ الْقُرْبُوسِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَقْرَأَهُ، ثُمَّ قَالَ: اقْتُلُوا، فَقَتَلَهُمْ حَتَّى أَدْخَلَهُمْ سِكَكَ الْبَصْرَةِ، ثُمَّ فَتَحَ الْكِتَابَ، فَقَرَأَهُ، ثُمَّ أَمَرَ مُنَادِيًا، فَنَادَى بِمَا فِي الْكِتَابِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۹، ۲۳-۲۴: ۴۲۴):

«به خدا سوگند، روش علی (ع) درباره آنان همان روش پیامبر (ص) در روز فتح مکه بود. همانا

علی (ع) در زمان جنگ بصره (جمل) به مالک که در صدر سپاه بود نوشت که جز به حمله‌کنندگان ضربت نزنند و فراریان را نکشد و زخم‌خوردگان را از پا در نیآورد، و هر کس به خانه خود رود و درب خانه را بر روی خود ببندد در امان است. آنگاه مالک، نامه را گرفت و قبل از این که آن را قرائت کند در مقابل خود بر روی کوهه زین اسب گذارد و گفت: با آنان بجنگید! با آنان جنگیدند تا این که آنان را داخل دروازه بصره نمودند. سپس نامه را گشود و آن را قرائت کرد و فرمان داد تا منادی، مردم را به آنچه در نامه است ندا دهد».

در روایت فوق، کسانی که عملاً به میدان کارزار نیامده‌اند و یا از میدان گریخته‌اند و یا در میدان زخم خورده‌اند مصون از کشتار تلقی شده‌اند. «رفتن به داخل خانه و بستن در خانه» کنایه از عدم مشارکت در امر جنگ می‌باشد؛ بدین معنا که ساکنان خانه نسبت به امر جنگ بی تفاوت بوده و نقشی در آن ایفا نمی‌نمایند. بدین ترتیب هم از عبارت «لَا يَطْعَنُ فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ» که به معنای مصونیت هر کسی که به میدان کارزار نیامده است و هم از عبارت انتهایی روایت که ماندگان در خانه، به معنای غیر مرتبطان به جنگ را مصون می‌داند، می‌توان نتیجه گرفت که ملاک جواز کشتار افراد در جنگ، حضور عملی در کارزار و یا مشارکت در امر جنگ است.

۵. عبدالله بن جعفر حمیری در روایتی از امام صادق (ع) و ایشان از پدرانشان تا پیامبر (ص) چنین نقل می‌نماید:

«عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَأَيُقْتَلُ الرَّسُولُ وَلَا الرَّهْنُ» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۳۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵، ۱۷): «فرستادگان (پیکرها و نمایندگان) و گروگان‌ها کشته نمی‌شوند».

در این روایت، به مصونیت‌های دیپلماتیک که مخصوص هیئت‌های مذاکره‌کننده سیاسی یا نظامی است و همچنین به مصونیت گروگان‌های جنگی تصریح نموده است. می‌توان مصونیت گروه‌های دیپلماتیک را از آیه ذیل نیز به دست آورد:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ أَمْنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه: ۶):

«و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چراکه آنان قومی ناداناند.»

۶. امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش، به سیره‌ای دائمی از امام علی (ع) اشاره می‌فرمایند: «عَنْ جَعْفَرِ (ع)، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ عَلِيًّا (ع) كَانَ يَكْتُبُ إِلَى أُمَّرَاءِ الْأَجْنَادِ: ائْتِدُكُمْ اللَّهُ فِي فَلَاحِ الْأَرْضِ أَنْ يَظْلَمُوا قَبْلَكُمْ.» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۳۸):

«علی (علیه السلام) بارها در نامه‌هایش خطاب به فرماندهان لشکرها می‌نوشت: شما را به خداوند سوگند می‌دهم که نسبت به کشاورزان ظلم نکنید.»

۲-۱. ادله روایی عامه مبنی بر ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان روایات متعددی در کتب روایی اهل سنت مطرح شده که مانند روایات موجود در منابع شیعی بر ممنوعیت و حرمت تعرض به غیرنظامیان در جنگ دلالت دارد:

۱. «و کان (ص) عهد الی أمرائه فی فتح مکة أن لا یقاتلوا إلا من قاتلهم» (ابن کثیر، ۱۳۹۸: ۴،

۲۹۷): پیامبر (ص) در فتح مکه به فرماندهان خود دستور داد که جز با کسانی که با آنها وارد جنگ و پیکار می‌شوند، با هیچ شخص دیگری نجنگند.

۲. «أن علیا (ع) قال لمعقل بن قیس: لا تقاتلن إلا من قاتلک» (بلاذری، ۱۳۹۴: ۲، ۴۷۹): علی (ع) به معقل بن قیس فرمود: جز با کسی با شما وارد پیکار و جنگ نمی‌شود، با کس دیگری نجنگید.

۳. «لا تقتلن امرأة و لا عسیفا» (بیهقی، ۱۳۷۷: ۹، ۸۲ و ۹۱؛ سعید بن منصور، [بی‌تا]: ۲، ۲۳۸): پیامبر (ص) فرمودند: زنان و اجیران را در جنگ نکشید.

۴. «نهی عن قتل النساء و الصبیان و الشیوخ» (سعید بن منصور، [بی‌تا]: ۲، ۲۳۹): پیامبر (ص) از کشتار زنان و کودکان و کهنسالان در جنگ نهی فرمودند.

ادله نقلی فوق، هر یک به بیان چند دسته از گروه‌های انسانی مصون در جنگ تصریح دارند. مبتنی بر این ادله، باید ملاکات تجویزکننده کشتار در جنگ مورد شناسایی قرار گیرد. بدین منظور مشاهده اقوال فقیهان در مسئله مصونیت گروه‌های مختلف انسانی در جنگ و سیری مختصر در نظریات آنان ضرورت دارد.

۲. گروه‌های انسانی مصون در جنگ

فقه امامیه و فقه عامه در زمینه ارائه گروه‌های انسانی مصون در جنگ، در بسیاری از گروه‌ها مشترک‌اند و انفرادات این دو مذهب اندک است.

۱-۲. دیدگاه فقه امامیه درباره گروه‌های انسانی مصون در جنگ

در فقه امامیه، مصونیت گروه‌های زیر مورد تأیید واقع شده است: کهنسالان، زنان، کودکان، نابینایان، بیمارانی که در بستر افتاده‌اند و یا زمین‌گیر شده‌اند و یا دست و پایشان قطع شده است، فرستادگان سیاسی و نظامی، گروگان‌ها، راهبان و عابدان که خلوت گزیده‌اند، مجانین و کم‌خردان در تمام اقسام و درجاتش، کشاورزان، پیشه‌وران و صنعت‌گران و دارندگان مشاغل بی‌ارتباط با امور نظامی و سیاسی، خنثایان، اجیران و بردگان، شهرنشینان، افرادی که کشتن آنان تأثیری در غلبه بر دشمن ندارد، افرادی که مصلحت در عدم قتل آنان است و نهایتاً هرکس که قدرت جنگیدن ندارد (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۵۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۹، ۶۴-۶۸؛ کاشف الغطا، ۱۴۲۲: ۴، ۳۷۷؛ حسینی شیرازی، [بی‌تا]، [ب]: ۱۳۶؛ حسینی شیرازی، [بی‌تا]، [الف]: ۱۴۹ - ۱۵۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۱: ۹۱).

۲-۲. دیدگاه فقه عامه درباره گروه‌های انسانی مصون در جنگ

در فقه عامه، مصونیت گروه‌های زیر مورد تأیید قرار گرفته است: زنان، کودکان، کهنسالان، اجیران و خدمتکاران و مباشران، راهبان و صومعه‌نشینان، کشاورزان، چوپانان، بازرگانان، صنعت‌گران، کسبه‌ای که مشاغل بی‌ارتباط با امور جنگی دارند، گردشگران، بردگان، مریضانی که در بستر بوده و یا زمین‌گیرند، بیک‌ها و حاملان نامه و مذاکره‌کنندگان و سفرا و نمایندگان دشمن که برای اموری نظیر انعقاد موافقت‌نامه‌ها می‌آیند، پناهندگانی که به طریق مشروع تقاضای پناهندگی کرده و به آنان مصونیت اعطا شده است، کلیه ساکنان کشورهایی که بین سران آن کشورها و مسلمانان قرارداد صلح منعقد شده است و نهایتاً کافرانی که دعوت به اسلام به آنان ابلاغ نشده است (بیهقی، ۱۳۷۷: ۹، ۷۷ - ۸۲ و ۸۹ - ۹۳؛ الدسوقی، [بی‌تا]: ۲، ۱۷۶ - ۱۷۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲، ۳۴۸ - ۳۴۹؛ الکاسانی، ۱۴۰۹: ۷-۱۰۱؛

ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ۱۶، ۱۳۸ - ۱۳۹).

در ادامه مقاله، تلاش می‌شود تا با توجه به اقوال فقیهان و همچنین بر پایه ادله نقلی موجود در آیات قرآن و روایات، دیدگاه فقه اسلامی در مورد ضابطه مصونیت‌ساز در جنگ به دست آید.

۳. ضابطه مصونیت‌ساز در جنگ: عدم ارتباط با امور نظامی

از روایاتی که در بند اول مقاله مطرح شد و گروه‌هایی از اشخاص را به‌عنوان دارندگان مصونیت در جنگ معرفی نمود می‌توان این شاخص را به‌دست آورد که کشتار افراد در جنگ منوط و محدود به کسانی است که به جنگ با سپاه خودی بیایند.

ملاک مصونیت که از ادله قرآنی و روایات ممنوع‌کننده کشتار غیرنظامیان به‌دست می‌آید، این است که هر کس که در امور مربوط به جنگ دخالتی نمی‌کند، از تعرض و کشتار مصون است. ادله شرعی بسیاری وجود دارد که ستیز و نزاع را به نظامیان دشمن و سرکردگان نظامی و سیاسی آنان منحصر می‌نماید. در ادامه مقاله، ادله قرآنی و روایی و استنتاجات فقیهان درباره ادله مزبور را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱. ادله قرآنی مصونیت غیرمرتبطان با جنگ

بر مبنای صریح آیه ذیل، جنگیدن تنها با جنگاور دشمن مجاز دانسته شده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰). و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید ولی از اندازه درنگذیرید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

ملاک جنگیدن مطابق با آیه فوق، تجاوز دشمن و یورش ابتدایی اوست. روشن است که جنگیدن مقدمه کشتار است و وقتی مقدمه، منوط به تجاوز پیشینی شده است، ذی‌المقدمه به طریق اولی منوط به چنین تجاوزی است. آیه فوق بر انحصار جنگ با جنگجویان و خودداری از جنگ با غیر آنان تصریح دارد.

از حیث لغوی نیز از واژه «قتال» که در آیه به‌کار رفته است، انحصار جنگ با نظامیان به-

دست می‌آید؛ چراکه «قتال» یا «مقاتله» از لحاظ لغوی به معنای تلاش انسان برای کشتن کسی است که برای کشتن او تلاش می‌نماید. واژه «تقاتل» نیز به معنای تلاش دو نفر یا دو گروه که با یکدیگر دشمنی دارند برای کشتن فرد یا گروه مقابل است (ابن هائم، ۱۴۲۳: ۲، ۱۴۳). بنابراین، واژه‌های «قتال»، «مقاتله» و «تقاتل» در مورد جنگ با کسانی که تلاشی برای کشتن انسان نمی‌کنند صدق نمی‌کند.

تفسیر متعدد از آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰) به عمل آمده است. دو تفسیر در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد. تفسیر نخست، آیه مزبور را دال بر حرمت ستیز با کسانی دانسته است که ابتدائاً وارد نزاع عملی با سپاه اسلام نشده‌اند. این تفسیر بر دفاعی بودن جهاد در نظام حقوقی اسلام تأکید دارد و تاختن ابتدایی بر مللی که ابتدائاً به ستیز و نزاع اقدام نکرده‌اند را مصداق اعتدا تلقی می‌نماید. روایات تفسیری متعدد بر این‌گونه از تفسیر دلالت دارد؛ از قبیل روایتی از ابن عباس که در بیان مراد آیه می‌گوید:

«[مراد از آیه آن است که] زنان و کودکان و پیران و کسانی که به شما پیشنهاد صلح می‌دهند را نکشید، و آنان را رها کنید؛ که اگر آنان را بکشید به یقین تجاوز کرده‌اید» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱، ۳۲۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲، ۱۱۱).

تفسیر دوم، آیه را دال بر حرمت ستیز با کسانی که اهلیت و قدرت جنگیدن ندارند دانسته است، مانند زنان و کودکان و کهنسالان. منطبق این تفسیر آن است که چه در جهاد ابتدایی و چه در جهاد دفاعی نمی‌توان تعرضی علیه کسانی که قدرت جنگیدن ندارند روا داشت. بر این اساس، مراد از اعتدائی که در آیه از آن نهی شده است، ستیز با غیر رزم‌آوران یا ستیز با کسانی است که قدرت جنگیدن ندارند (راوندی، ۱۴۰۵: ۱، ۳۳۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵: ۱، ۳۴۳ - ۳۴۴).

۲-۳. ادله روایی مصونیت غیر مرتبطان با جنگ

سیره نبوی در جنگ‌ها مؤید دستور قرآنی گفته‌شده در آیه مذکور در بحث قبل است. یکی از مورخان معاصر در این رابطه می‌نویسد: «همواره پیامبر (ص) به کسانی که آنان را برای جنگ اعزام می‌کرد دستور می‌داد که شروع به جنگ نکنند، مگر با کسانی که ابتدا به کارزار پردازند.» (مرتضی،

۱۴۲۶: ۲۶، ۲۸۳).

برای مثال پیامبر (ص) حین اعزام علی (ع) به یمن، به او توصیه می‌کند که با آنان وارد جنگ نشود تا زمانی که آنان به پیکار اقدام نمایند (مرتضی، ۱۴۲۶: ۲۶، ۲۴۵). همچنین در فتح مکه به امرای خویش به نحو مؤکد همین سفارش را نموده‌اند (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۴، ۸۶۷). جابر بن عبدالله انصاری در مورد سیره مسلمانانی که در رکاب پیامبر (ص) می‌جنگیدند چنین می‌گوید: «اینان هیچ‌گاه تاجران مشرک را نمی‌کشتند و می‌گفتند: ما کسانی را می‌کشیم که به جنگ با ما برخیزند، حال آن‌که تاجران به جنگ با ما برنخاسته‌اند.» (ابن حزم، [بی تا]: ۷، ۲۹۷).
باتوجه به روایاتی که از کشتار زنان و کودکان در جنگ نهی می‌نماید، تعلق این نهی به زنان و کودکان بدین جهت است که در غالب موارد، این دو گروه وارد جنگ نمی‌شوند؛ از این رو به عقیده فقیهان امامیه (الانصاری، ۱۴۱۸: ۲، ۳۰۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۱: ۹۱) و عامه (النووی، ۱۹۹۷: ۱۹، ۳۰۰ - ۳۰۱) نهی مزبور به همه کسانی که پا در رکاب نبرد به همراه نیروهای نظامی دشمن نمی‌گذارند تعلق می‌گیرد.

در روایات مربوط به گروه‌های انسانی مصون نیز مشاهده می‌شود که کشاورزان در زمره گروه‌های انسانی مصون قرار گرفته‌اند. باتوجه به این که کشاورزی شغل اصلی و عمده مردمان عصر تشریح محسوب می‌شد، به‌عنوان نماد و نماینده مشاغلی محسوب می‌شود که ارتباط به پیکار ندارند (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۳۸).

برای مستنبطی که مجموعه روایات منع‌کننده را مورد تحقیق قرار دهد، جای شبهه باقی نمی‌ماند که ذکر این گروه‌های انسانی در روایات ناظر به معیار خاصی است که همگی این گروه‌های انسانی، مصادیق آن معیار محسوب می‌شوند و هیچ یک خصوصیتی ندارند. معیار مزبور نیز مصونیت جانی کناره‌گیرندگان از جنگ و اعراض‌کنندگان از امور وابسته به مسائل نظامی است. برحسب آن که معیار مزبور در گروه‌های انسانی ملفوظ در روایات غلبه دارد، به نحو مؤکد مورد توجه معصومان قرار گرفته است.

۳-۳. استدلالات فقهی درباره ضابطه مصونیت غیرمرتبطان با جنگ

رد پای ضابطه «مصونیت غیرمرتبطان با جنگ» را می‌توان در بسیاری از اندیشه‌ها و استدلالات طرح شده فقهی به دست آورد؛ برای مثال، کشتار کهنسالان به این دلیل ممنوع اعلام شده که از ناحیه اینان ضرری بر نیروهای خودی وارد نمی‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۱۴، ۱۹۱). همچنین کشتار صومعه‌نشینان به این دلیل که ضرری از سوی آنان به نیروهای خودی نمی‌رسد به عقیده برخی فقیهان امامیه (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴، ۳۹۲) و عامه (النووی، ۱۹۹۷: ۱۹، ۲۹۶) جایز نیست و بمانند زنان که ضرری برای نیروهای خودی محسوب نمی‌شوند، در جنگ نباید مورد آسیب قرار گیرند.

در مورد راهبان نیز گفته شده است که اینان به دلیل کناره‌گیری از صحنه جنگ، مصون از کشتار قلمداد شده‌اند؛ نه آن‌که رهبانیت و زاهدانه زیستن اینان فضل و مصونیتی برایشان ایجاد کند (الدسوقی، [بی‌تا]: ۲، ۱۷۶). و یا در مورد دارندگان مشاغل بی‌ارتباط به مسائل جنگ، از قبیل کشاورزان، بردگان، بازرگانان و کسبه استدلال شده است که اینان چون با مسلمانان به جنگ برنخاسته‌اند، بمانند راهبان و کهنسالان بوده و به همین دلیل کشته نمی‌شوند (البهوتی، ۱۴۱۸: ۳، ۵۵).

به عقیده برخی فقیهان نظیر کاشف‌الغطاء، کشتار مسلمانانی که به همراه سپاه دشمن علیه مسلمانان و جامعه اسلامی تاخته‌اند جایز دانسته شده است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۴، ۳۸۱ - ۳۸۲). این نظر مؤید مبنایی است که معیار کشتار را رفتار دژخیمانه تلقی می‌کند؛ چراکه جواز قتل مسلمان در این رأی نه بر مبنای اعتقاد او، بلکه بر مبنای شرکت عملی او در پیکار با مسلمانان صادر شده است.

بر همین اساس، فقیهان و محدثان، حفاظت و حمایت از غیر مرتبطان به جنگ را به‌عنوان قاعده مصونیت در جنگ مورد تأکید قرار داده‌اند. بیهقی، فقیه و محدث شهیر قرن پنجم، عنوان بابی که به بررسی روایات مربوط به گروه‌های انسانی مصون می‌پردازد را این‌گونه انتخاب می‌کند: «باب ترک قتل من لا قتال فیه من الرهبان و الکبیر و غیرهما» (بیهقی، ۱۳۷۷: ۹، ۸۹): «باب رهاکردن کشتار کسانی که به جنگ اقدام نمی‌کنند؛ نظیر راهبان و پیران و گروه‌های دیگر».

قاعده مصونیت کشتار اعراض کنندگان از جنگ، در این کلام بیهقی به‌صراحت مطرح شده است. سید سابق، فقیه معاصر مصری و صاحب کتاب شهیر «فقه السنه» در این باره می‌نویسد: «هیچ کس در

جنگ کشته نمی‌شود، مگر کسی که در میدان جنگ به مبارزه پردازد؛ ولی قتل یا آسیب رساندن به کسی که از جنگیدن کناره گرفته است حلال نیست» (السید السابق، [بی تا]: ۲، ۶۵۵).

به‌طور کلی، در مورد تمامی گروه‌های انسانی مصون همین‌گونه استدلال شده است که چون علت مجوزه قتل، جنگیدن است و غیرنظامیان در صف جنگجویان قرار ندارند، به همین علت از کشتار مصون می‌باشند؛ برای مثال ابن نجیم مصری، فقیه حنفی قرن دهم، در مورد کشتار زنان و کودکان و پیران و نابینایان در جنگ می‌نویسد: «در نزد ما، ملاک اباحه در کشتار، جنگیدن است؛ حال آن‌که این ملاک از سوی این افراد محقق نشده است.» (ابن نجیم، ۱۴۱۸: ۵، ۱۳۱).

یکی از مواردی که به‌خوبی می‌توان مبنای فقیهان در ضابطه «مصونیت غیرمرتبطان با جنگ» را در آن ملاحظه کرد، تفسیری است که از عنوان «قتل نا به حق» که در برخی از آیات قرآن مورد نهی قرار گرفته است، به عمل آمده است: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء: ۳۳). و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید.

برخی از فقیهان و مفسران در تفسیر آیه فوق، عنوان «قتل نا به حق» را مختص قتل مسلمانان ندانسته و قتل کسانی که محارب نیستند و در پیکار شرکت نمی‌جویند و به زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان خوی گرفته‌اند را مصداق «قتل نا به حق» قلمداد کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۸، ۶۷۸). این عقیده، مال و ناموس و عرض این دسته از اشخاص را نیز به تبع مصونیت جان آنان، مصون از تعرض تلقی کرده و هتک این موارد را اتلاف نا به حق قلمداد می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۸، ۶۷۸).

۴. نقض حق مصونیت غیرنظامیان توسط رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی

پس از روشن شدن ادله شرعی که گواه ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان در جنگ می‌باشند و کناره‌گیری از امور جنگی و نظامی را سبب مصونیت اشخاص در جنگ قلمداد می‌کنند، به بررسی ابعاد نقض حق مصونیت غیرنظامیان در جریان جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران می‌پردازیم. در این رابطه، تعرض به غیرنظامیان و نقض حق مصونیت آنان در چهار قسم مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: تعرض به تمامیت جسمانی غیرنظامیان، تعرض به حق حیات غیرنظامیان،

تعرض به شخصیت معنوی غیرنظامیان و تعرض به حق آزادی غیرنظامیان.

۴-۱. تعرض به تمامیت جسمانی غیرنظامیان

در طول جنگ تحمیلی رژیم بعث صدام بارها و به دفعات بسیار مستقیماً مردم غیرنظامی را هدف قرار داده است. از جمله در روز ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ هواپیماهای عراقی به شهر ایلام حمله کردند و مردم را در حال راهپیمایی بمباران کردند و موجب شهادت ۴۰ نفر و جراحت ۲۰۰ نفر شدند (علایی، ۱۳۹۱: ۱، ۴۷۹-۴۸۰).

دولت عراق با آنکه برای اغوای کشورهای عربی از حربۀ نژادی استفاده می‌کرد و خوزستان را متعلق به جهان عرب می‌دانست، بارها به کشتار مستقیم عرب‌زبانان خوزستان اقدام نمود. تنها در اشغال خرمشهر به نیروهای عراقی دستور داده شد که هرکسی را که در شهر یافتند به قصد قتل بر او آتش بگشایند (کاظمی، ۱۳۷۵: ۲۳۱). این فرمان در شرایطی صادر گردید که هنوز تعداد زیادی از غیرنظامیان در شهر حضور داشتند و نتوانسته بودند فرار کنند و یا به جهاتی میل به فرار نداشتند. در خاطرات فرماندهان عراقی به حمله مستقیم به غیرنظامیان اقرار شده است؛ برای مثال در خاطرات منقول از سرهنگ دوم ستاد نامرا احمد الفلوجی در مورد وقایع صورت گرفته در دوران اشغال خرمشهر گفته شده که روستاهای بی‌پناه هدف استراتژیکی تانک‌ها و توپخانه‌ها بودند. فراتر از این، فرمانده لشکر دستور داد که تمامی افراد غیرنظامی با تانک مورد هدف قرار گیرند. بعد از این دستور بود که کهنسالان، کودکان و اطفال، زنان و همه گروه‌های غیرنظامی یا با تانک مورد هدف قرار می‌گرفتند و یا در حالتی که زنده بودند، تانک از روی ایشان عبور می‌کرد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۹).

طبق تحقیقات به عمل آمده، کشتار گروه‌های ناتوان از غیرنظامیان نظیر زنان و خردسالان و کهنسالان برای نیروهای عراقی به امری کاملاً طبیعی بدل شده بود (زمانی، ۱۳۷۸: ۱۳).

در خاطرات احمد المیثمی فرمانده گردان‌های توپخانه در هنگام حمله به جفیر آمده است که نه تنها به حملات توپخانه‌ای مستقیم علیه زنان و کودکان تصریح می‌کند، بلکه اذعان می‌کند که ناله و استغاثه‌های اینان باعث حمله بیشتر به زنان و کودکان می‌شد. همچنین در خاطرات

نوری الدلیمی سرهنگ دوم ستاد سلام در جریان اشغال خرمشهر چنین می‌خوانیم که سروان یونس علاوی، فرمانده گروهان به همراه ۸۰ سرباز در جست‌وجوی خانه به خانه در خرمشهر، دستور می‌داد تا هر خانه‌ای که هنوز خانواده‌ای در آن زندگی می‌کردند را روی اهالی آن منفجر کنند یا خانه را با ساکنان آن بسوزانند. وی در مقام پاسخ به اعتراضات سربازان عراقی نسبت به این کشتار فجیع غیرنظامیان بی‌گناه، چنین استدلال می‌کرد که حیات عراقی‌ها و ثبات و آرامش آنان متوقف بر کشتار غیرنظامیان ایرانی است. در خاطرات الدلیمی همچنین گفته شده که انگشتان دست کشته‌شدگان غیرنظامی بریده می‌شد تا انگشترهای آنان غارت شود. در خاطرات وی اذعان شده که غارت انگشترها و وسایل شخصی کشته‌شدگان غیرنظامی بر دفن آنان اولویت داشت. در خاطرات وی از هدف قرار دادن خانواده‌هایی که سوار بر خودرو در حال گریز از منطقه بودند با گلوله‌های تانک نیز پرده برداشته شده است. در خاطرات سرگرد عزام محمد الحلفی در دوره اشغال خرمشهر که در حضور صدام بیان شد، خبر از احداث سدی از آتش در مقابل غیرنظامیان خرمشهر داده شده است. وی در حضور صدام به اعتراض یکی از افسران عراقی نسبت به این اقدام اشاره می‌کند و می‌گوید وی این اقدام را به علت حضور زنان و کودکان و کهنسالان در داخل شهر، غیرانسانی و غیراخلاقی می‌دانست که به محض بیان این اعتراض، صدام به شدت با این اعتراض مخالفت کرد و خواستار معرفی و مجازات این افسر معترض شد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۶-۶۳).

۲-۴. تعرض به حق حیات غیرنظامیان

رژیم صدام در دوران جنگ، هرگاه حتی اگر به مدت کوتاهی بر منطقه غیرنظامی و مسکونی تسلط می‌یافت به تخریب عمده و گسترده محیط‌زیست منطقه که وسیلهٔ امرارمعاش ساکنان غیرنظامی منطقه بود اقدام کرد؛ برای مثال شهر سرپل ذهاب، تنها یک روز مصادف با اول مهر ۱۳۵۹ در اشغال رژیم صدام قرار گرفت و در همین یک روز باغ‌های میوه و نخلستان‌های این شهر ویران شدند (روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۲). تردیدی نیست که حیات غیرنظامیان ساکن در این منطقه منوط بر همین زمین‌های زراعی، کشاورزی و باغات بوده است.

نمونه دیگر از تخریب عمدۀ و گسترده محیطزیست منطقه توسط رژیم صدام که محل امرامعاش ساکنان غیرنظامی منطقه بوده است، در اشغال شهر سومار در دوم مهر ۱۳۵۹ رخ داد. رژیم صدام در تجاوز خویش حتی به دامها و گوسفندان منطقه نیز رحم نکردند و حیوانات را کشته یا غارت کردند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴/ ۵/ ۶۱).

از دیگر رفتارهای رژیم بعثی در جهت نقض حق حیات غیرنظامیان، ریختن سم در نهرها و حوضچه‌هایی که آب شرب مردم محلی و دام‌های آنها از آن محل تأمین می‌شد است. به اذعان سروان سعدی فرحان الکرخی در مدت اشغال خرمشهر، فرماندهی دستور چنین اقدامی را صادر کرد و این اتفاق بارها رخ داد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۳۶).

یکی از مراکزی که حیات غیرنظامیان بدان وابسته است، مراکز درمانی، بهداشتی و بیمارستانی است که بارها توسط ارتش صدام در طول هشت سال جنگ علیه ایران مورد تهاجم قرار گرفت. برای مثال در خرمشهر چهار بیمارستان اصلی شهر و چندین مرکز بهداشتی و ۱۲۰ مسجد و تأسیسات مذهبی بعد از تجاوز رژیم صدام به این شهر با خاک یکسان گردید (زمانی، ۱۳۷۸: ۱۱-۱۲).

می‌توان از مجموع اقدامات رژیم صدام در جریان تجاوز به شهرهای مسکونی به این نتیجه رسید که این رژیم نه تنها به التزام و تعهد خویش مبنی بر اتخاذ تدابیر لازم جهت حفاظت از جان غیرنظامیان عمل نکرد، بلکه عملاً به هدم هر آنچه حیات غیرنظامیان وابسته بدان بود اقدام کرد.

۳-۴. تعرض به حق آزادی غیرنظامیان

در روزهای آغازین جنگ، رژیم بعث برخی مردم و غیرنظامیان ایرانی را دستگیر کرد و به اسارت برد و در اسارت نیز به شکنجه آنان اقدام نمود. از جمله مواردی که به اسارت، حبس و شکنجه غیرنظامیان توسط رژیم صدام انجامید اسارت، حبس و شکنجه وزیر نفت ایران بود. در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۹ آقای محمدجواد تندگویان، وزیر نفت به جمهوری اسلامی، به‌همراه چند نفر از معاونان و همکارانش درحالی‌که از اهواز عازم آبادان بودند، در مقابل پل بهمن شیر و درست مقابله کوی ذوالفقاریه به اسارت درآمدند و به خاک عراق برده شدند. او و بسیاری از غیرنظامیان، در دوران اسارت تحت شکنجه مأموران عراقی بودند. برخی از آنها بر اثر شدت آسیب‌ها به شهادت

رسیدند. سرانجام محمدجواد تندگویان توسط رژیم بعث در زیر شکنجه به شهادت رسید (علایی، ۱۳۹۱: ۱، ۲۳۰). همچنین شکنجه جوانان غیرنظامی خرمشهر از وقایع رخ داده در دوران اشغال این شهر است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۲).

نتیجه‌گیری

با ملاحظه ادله قرآنی و روایی و همچنین با بررسی اقوال فقیهان، می‌توان مبنای جواز کشتار در جنگ را ظلم و تجاوز فعلی دانست. حتی توانایی بالقوه برای تجاوزگری نیز نمی‌تواند کشتار در جنگ را مجاز گرداند؛ بلکه تا زمانی که کسی به صورت بالفعل به نزاع برنخیزد نمی‌توان به کشتار وی اقدام کرد؛ مگر آن‌که شرایط دفاع پیشگیرانه وجود داشته باشد که از شرایط آن آمادگی نیروهای نظامی دشمن برای هجوم ناگهانی و قریب‌الوقوع به مرزهای سرزمینی است که البته اثبات این آمادگی و قریب‌الوقوع بودن هجوم نیز صرفاً با دلایل متقن و قوی امکان‌پذیر است. اگر مبنای فقهی مورد امعان نظر قرار گیرد، لاقلاً در دوره غیبت، هیچ عامل دیگری جز تجاوز فعلی نمی‌تواند مجوزی برای کشتار در جنگ باشد.

بر این اساس، می‌توان قواعد فقهی مربوط به شیوه مواجهه با غیرنظامیان در جنگ را در گزاره‌های ذیل خلاصه کرد: ممنوعیت حمله به کسانی که در امور نظامی و جنگی مداخله ندارند؛ ممنوعیت حمله به کسانی که ضرری برای سپاه خودی ندارند؛ ممنوعیت حمله به کسانی که نفعی برای سپاه دشمن ندارند؛ ممنوعیت آسیب به غیرنظامیانی که قدرت بر جنگیدن ندارند، در شرایط عدم ضرورت؛ ممنوعیت استفاده از تسلیحاتی که آثار آن به نحو غیر تبعیض‌آمیز منجر به آسیب غیرنظامیان شود، در شرایط عدم ضرورت.

علی‌رغم مصونیت غیرمرتبطان با امور نظامی و جنگی در جنگ، رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی علیه ملت ایران بارها بدون آنکه شرایط دفاع پیشگیرانه وجود داشته باشد و ایران حتی قصد حمله به مرزهای عراق را داشته باشد، به کشتار مستقیم و غیرمستقیم غیرنظامیان و تعرض به تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، حق حیات و حق آزادی آنان روی آورد. با امعان نظر به رفتار جنگی رژیم بعث صدام تناقض آشکار این رفتار با ضوابط شرعی مربوط به

جنگیدن و کشتار در جنگ را می‌توان مشاهده کرد؛ چراکه اولاً رژیم مزبور بدون آن‌که هیچ اضطراب و ضرورتی اقتضا نماید به صورت ابتدایی و ابتدابه‌ساکن به مرزهای ایران لشکرکشی کرد، و ثانیاً بارها به نحو استقلالی و مستقیم یا به نحو غیرمستقیم به کشتار غیرنظامیان و حمله به اماکن و مناطق غیرنظامی و مسکونی روی آورد؛ برای مثال برخی عملیات جنگی رژیم صدام منجر به تلفات گسترده و انبوه غیرنظامیان و خسارات انبوه به محیط‌زیست شد، نظیر کاربست سلاح شیمیایی در موارد متعدد که نه تنها به کشتار وسیع غیرنظامیان در زمان استفاده و به‌کارگیری این سلاح منجر شد، بلکه پیامدهای خسارت‌بار آن، نسل‌های بعدی انسانی و حیوانی و نباتی را متأثر کرد.

منابع

قرآن کریم

- احمدی میانجی، علی. (۱۴۱۱ ق.). *الأسیر فی الإسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- الانصاری، زکریا. (۱۴۱۸ ق.). *فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب*، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابراهیمی، محمد نبی (۱۳۸۶). *جنایت‌های ما در خرمشهر - خاطرات افسران عراقی از جنگ خرمشهر*، تهران: سوره مهر.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ ق.). *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق اسعد محمد طیب، ج ۱، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد. [بی تا]. *المحلی*، ج ۷، بیروت: دار الفکر.
- ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبدالله نمری اندلسی. (۱۳۸۷ ق.). *التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید*، ج ۱۶، مغرب، وزارة الاوقاف و الشؤون الإسلامیة.
- ابن نجیم المصری الحنفی، ابی البرکات عبدالله بن احمد بن محمود. (۱۴۱۸ ق.). *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، تحشیه ابن عابدین الدمشقی الحنفی، تحقیق زکریا عمیرات، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن هائم، شهاب‌الدین احمد بن محمد. (۱۴۲۳ ق.). *التبیان فی تفسیر غریب القرآن*، تحقیق ضاحی عبدالباقی محمد، ج ۲، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک الحمیری. (۱۳۸۳ ق.). *سیره النبی صلی الله علیه و آله*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، ج ۴، قاهره: مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۹۴ ق.). *انساب الاشراف*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- البهوتی الحنبلی، منصور بن یونس. (۱۴۱۸ ق.). *کشف القناع عن متن الاقناع*، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۳۷۷ ق.). *السنن الکبری*، ج ۹، بیروت: دارالفکر.
- حرّعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). *تفصیل وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسائل الشریعہ*، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم السلام).
- حسینی شیرازی، سیدمحمد. [بی تا]. [الف]، *الفقه - کتاب الجهاد، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر*، قم: دارالقرآن الحکیم.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد. [بی تا]. [ب]، *الفقه - النظافه*، [بی جا]، [بی نا].
- حلبی، تقی‌الدین ابوالصلاح. (۱۴۰۳ ق.). *الکافی فی الفقه*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (علیه السلام).

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ ق). *تذکره الفقهاء*، ج ۹، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ ق). *قرب الاسناد*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- الدسوقی، محمد. [بی تا]. *حاشیه الدسوقی علی الشرح الكبير*، ج ۲، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله. (۱۴۰۵ ق). *فقه القرآن*، تحقیق سیداحمد حسینی، ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- زمانی، سیدقاسم. (۱۳۷۸). *حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی*، سیاست دفاعی، ۸ (۲۸)، ۳۳-۶۰.
- سعید بن منصور، ابن شعبه الخراسانی المکی. [بی تا]. *سنن*، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوری حلی (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله. (۱۴۲۵ ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ج ۱، قم: انتشارات مرتضوی.
- السید السابق. [بی تا]. *فقه السنه*، ج ۲، بیروت: دارالکتب العربیه.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)*، ج ۲، بیروت: دارالمعرفه.
- علائی، حسین. (۱۳۹۱). *روند جنگ ایران و عراق*، ج ۱، تهران: نشر مرز و بوم.
- قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد انصاری. (۱۴۰۵ ق). *الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
- الکاسانی، علاء‌الدین. (۱۴۰۹ ق). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، ج ۷، پاکستان: المكتبة الحبيبية.
- کاشف‌الغطاء نجفی مالکی، جعفر بن خضر. (۱۴۲۲ ق). *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء*، ج ۴، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- کاظمی، اصغر. (۱۳۷۵). *خرمشهر در اسناد ارتش عراق*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- کلانتری ارسنجانی، علی اکبر. (۱۴۱۶ ق). *الجزیه و احکامها فی الفقه الاسلامی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ق). *الکافی*، ج ۷ و ۹، قم: دارالحديث.
- مرتضی‌العاملی، سید جعفر. (۱۴۲۶ ق). *الصحيح من سیره النبی الاعظم*، ج ۲۶، قم: دارالحديث.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ ق). *الامتل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، ج ۸، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مستظری، حسین علی. (۱۴۰۹ ق). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*، ج ۳، قم: نشر تفکر.

نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، ج ۲۱، بیروتک دار احیاء التراث العربی.

النووی، ابی زکریا محیی الدین یحیی بن شرف. (۱۹۹۷ م). *المجموع شرح المهذب*، ج ۱۹، بیروت: دارالفکر.